

بیزن ذوالفقارنسب:

نود و هشت سال خوبی نبود

سال خوبی را پشت سر گذاشتیم، هم در بعد ملی و هم در بعد باشگاهی تقریباً ناکام بودیم. تیم ملی در شرایطی قرار داشت که می توانست به خوبی از این شرایط استفاده کند و به این وضعیت گرفتار نشود.

بازی های سختی پیش روی تیم ملی نبود اما اشتباهات در فدراسیون فوتبال تاثیراتش را روی نتایج تیم ملی گذاشت و در نهایت حالا باید با اما و اگرهای همیشگی امیدوار به درخشش فردی بازیکنان در تیم ملی باشیم. در حالی که تیم ملی باید به راحتی از این مقطع عبور می کرد.

در بعد باشگاهی هم کاملاً مشخص است، شاخصه ای به نام لیگ قهرمانان آسیا داریم که متأسفانه در سال ۹۸، بازی های خوبی در این رقابت ها هم نداشتیم و البته امیدوار به روزهای آینده در این رقابت ها هستیم.

به صورت کلی می توان این ارزیابی را داشت که فوتبال ما در حال گذراندن روزها و ماه ها است و اگر نگوییم، پسرقت می کنیم، پیشرفتی هم نداشتیم.

امیدوار هستیم که سال آینده بهتر از سال ۹۸ باشد.

البته فقط امیدواری کافی نیست و باید با برنامه ریزی بهتر و بهره گیری از همه ظرفیت های فوتبال کشورمان به سمت پیشرفت و ترقی پیش برویم.



رسول کربکندی:

سال خوبی برای فوتبال نبود

من فکر می کنم نقاط منفی فوتبال مان در یک سال گذشته خیلی فراوان بوده. ما شاید اگر بخواهیم نقاط مثبت مان را بگویم یکی دو تا بیشتر نباشد. یکی این بود که تیم هایی که باید در پلی آف لیگ قهرمانان آسیا شرکت می کردند موفق شدند و به مرحله گروهی مسابقات رسیدند. استقلال و شهر خودرو بیرون از کشور توانستند صعود کنند به مرحله بعد.

سطح فوتبال باشگاهی مان نسبت به گذشته بهتر شده بود ولی معایب و مشکلاتی که فوتبال ما در یک سال گذشته داشته به نظرم خیلی زیاد بوده. تیم ملی با رفتن کی روش و آمدن مارک ویلموتس که یک مربی پروازی بود و خیلی احاطه روی فوتبال و شناخت از فوتبال ما نداشت نتوانست نتایج خوبی بگیرد و ما به بحرین و عراق بیرون از خانه باختیم و در وضعیت خطرناکی قرار گرفتیم برای رفتن به جام جهانی.

بعد هم که آن وضعیت ماندن ویلموتس بود و حقایقی که در مورد قرار دادش گفته نشد و ایشان رفت و شکایت کرد و ما قطعاً باید هزینه سنگینی را بابت این مسأله بپردازیم. نتایج مان هم نتایج خوبی نبوده و ما در منطقه خطر هستیم. بخصوص اینکه اگر با این وضعیت و ویروس کرونا نتوانیم در خانه مان میزبانی کنیم قطعاً کارمان برای صعود سخت خواهد شد.

مربی ای که ما برای تیم ملی انتخاب کردیم. بعد از حرف و حدیث های زیادی که عنوان شد و اینکه گفته شد مربی ما باید حتماً ایرانی باشد ولی ما آمدیم مربی تیم صنعت نفت را انتخاب کردیم برای تیم ملی که باعث شگفتی جامعه فوتبال شد. رفتن مربیان تیم های استقلال و پرسپولیس که همه به دلیل مسائل مالی و عدم تعهدات باشگاه ها نسبت به قرار دادها، آنها کشور ما را ترک کردند و حتماً آنها هم می روند شکایت می کنند و باز هم هزینه سنگینی برای فوتبال ما دارد.

عدم نتیجه گیری تیم المپیک مان و آرزویی که ۵۰،۴۰ ساله برای ما باقی ماند. استعفای رئیس فدراسیون و اواخر هم جریمه شدن فدراسیون توسط AFC به دلیل صدور مجوز خلاف برای باشگاه هایی که

باید در لیگ قهرمانان آسیا شرکت می کردند.

همه و همه اتفاقاتی که افتاد هیچ کدام نتایج و عملکرد

خوبی برای فوتبال ما رقم نزد. با نداشتن رئیس

فدراسیون و اتفاقاتی که در فدراسیون افتاده حالا برای

انتخاب رئیس فدراسیون عده ای ثبت نام کردند که

خیلی از آنها، آدم های بازنشسته ای هستند که در

قانون حضورشان منع شده است. همه اینها اتفاقاتی

است که به نظرم سال خوبی را برای فوتبال ایران رقم

زده و باید آرزو کنیم که فوتبال ما از این شرایطی که

امروز دارد و به هم ریختگی که وجود دارد بیرون بیاید و

ان شاء الله شرایط خوبی را در آینده پیدا کنیم.

نگیرد.

رئیس دپارتمان فدراسیون های عضو فیفا، در این نامه با قید الزام از فدراسیون فوتبال می خواهد انتخابات فدراسیون به تعویق بيفتد. «در نهایت، موضع فیفا و ای اف سی این است که مجمع عمومی انتخابات فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی که قرار است در تاریخ ۱۵ مارس ۲۰۲۰ در تهران برگزار شود باید به تعویق بيفتد.»

در حالی که فدراسیون فوتبال ایران از سوی نهاد بالادستی و ناظر خود از برگزاری انتخابات در مقطع کنونی و طبق اساسنامه فعلی منع شده است، ثبت نام نامزدها طبق روال صورت گرفته و تاریخ برگزاری انتخابات در وبسایت رسمی فدراسیون ۲۵ اسفند ۱۳۹۸ درج شده است.

فدراسیون فوتبال در پاسخ به نامه فیفا در تمامی مواردی که موجبات نگرانی فیفا را به همراه داشت، روی موضع خود پافشاری کرد. از نظر فدراسیون، وزارت ورزش دخالتی در اداره آن ندارد، برگزاری انتخابات طبق اساسنامه فعلی بلاشکال است، اساسنامه فعلی مورد حمایت تمامی اعضای مجمع است، انتخابات زود هنگام در زمان از پیش تعیین شده برگزار خواهد شد و اصلاح اساسنامه بعد از انتخابات صورت خواهد گرفت. از پاسخ فدراسیون به فیفا اینطور بر می آید که هیأت رئیسه فعلی راه تقابل را به جای تعامل با فیفا برگزیده اند.

مصاحبه اخیر سرپرست فدراسیون نشان می دهد فدراسیون فوتبال نه تنها با فیفا بلکه با وزارت ورزش نیز راه تقابل را برگزیده است، محمود اسلامیان و حیدر بهاروند این روزها در حالی از نامرتب بودن قانون منع به کارگیری بازنشستگان در فوتبال سخن می گویند که به موجب همین قانون در سال ۱۳۹۵ فدراسیون فوتبال با برخی اعضای خود قطع همکاری کرد.

آنچه اکنون از نامه فیفا به فدراسیون فوتبال قطعی به نظر می رسد این است که صبر فیفا و کنفدراسیون فوتبال آسیا برای ادامه کار فدراسیون فوتبال ایران بر اساس اساسنامه فعلی تمام شده است.

در نامه اخیر فیفا، نگرانی اصلی، تعارض اساسنامه فدراسیون فوتبال با اساسنامه فیفا مد نظر است، دخالت دولت در فوتبال یکی از خطوط قرمز و مهم فیفا است که عملاً در ایران نقض می شود. موردی که در سال ۱۳۸۵ موجبات تعلیق فدراسیون را فراهم آورد.

طبق بند ۲ و ۲ ماده ۲۲ اساسنامه فعلی وزیر ورزش و معاون قهرمانی وزیر ورزش در مجمع عمومی، هرکدام

حمید علی دوستی:

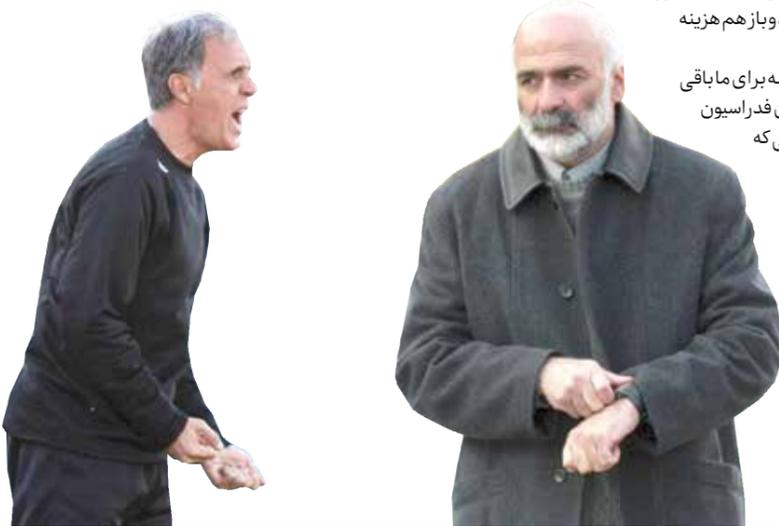
برخی تیم ها به بلوغ فکری رسیدند

به نظر من با همه کم و کاستی هایی که در فوتبال کشورمان وجود داشت، سال ۹۸ سال بدی برای فوتبال کشورمان نبود. این حرف به این معنا نیست که ما کاملاً موفق بودیم اما با توجه به شرایطی که داشتیم، پیشرفت هایی هم در فوتبال کشورمان شاهد بودیم.

در رده ملی متأسفانه ما با افت روبه رو شدیم چرا که از دست دادن مربی بزرگی مثل کی روش و در کنار آن عدم موفقیت در جذب مربی در سطح کی روش، برای ما ناکامی بود. هر چند می شد این موضوع را بهتر مدیریت کرد.

در سطح باشگاهی اما اوضاع متفاوت بود، ما موفقیت بزرگی در سطح باشگاهی داشتیم، واقعیت این بود که همین امسال تیم های مثل پرسپولیس و استقلال با حضور مربیان خوب روی نیمکت شان توانستند به یک بلوغ فکری در بازی ها برسند و این پیشرفت خوبی برای فوتبال کشورمان بود اما متأسفانه این اتفاق ادامه دار نشد و با رفتن مربیان نتوانستیم به این روند ادامه دهیم.

متأسفانه در ادامه ما در لیگ قهرمانان هم نتوانستیم به نتایج قابل قبولی دست پیدا کنیم که این بیشتر به دلیل از دست دادن میزبانی بود و یکی از نقاط تاریک فوتبال سال ۹۸ همین از دست دادن میزبانی بود که تأثیر منفی روی عملکرد تیم ها داشت.



ایران مورد بازنگری قرار بگیرد.

«هر گونه پیشنهاد اصلاح اساسنامه باید با ارائه توضیحات مختصری کتاباً از سوی فدراسیون عضو یا شورا به دبیرخانه فیفا تقدیم گردد. پیشنهاد تقدیمی از سوی عضو در صورتی معتبر است که حداقل ۲ عضو دیگر از این طرح کتاباً حمایت نموده باشند.»

بر اساس بند ۲ ماده ۲۹ اساسنامه فیفا درخواست اصلاح اساسنامه تنها نیاز به حمایت کتبی دو عضو دیگر دارد، در حالی که در اساسنامه فدراسیون نیاز به حمایت کتبی ۱۰ عضو وجود دارد، این پیش شرط، تغییر اساسنامه را سخت و منوط به چانه زنی های بسیار می کند.

طبق بند ۳ ماده ۳۵ اساسنامه فدراسیون، انتخاب روسا، معاونین و اعضای کمیته های قضایی از اختیارات هیأت رئیسه است. یکی از تعارضات مهم اساسنامه فدراسیون با اساسنامه مادر در همین بند نهفته است. طبق اساسنامه فیفا انتخاب اعضای کمیته انضباطی، اخلاق و استیناف از سوی کنگره که همان مجمع است صورت می گیرد، به این ترتیب استقلال اعضای ارکان قضایی نسبت به آرای صادره در قبال هیأت رئیسه ورثیس حفظ می شود.

هم در ماده ۳۳ که مربوط به شرایط نامزدهای هیأت رئیسه است و هم در ماده ۳۹ که مربوط به شرایط نامزدی ریاست فدراسیون است شرایطی وجود دارد که مانع از ورود افرادی مانند علی دایی به مرجع تصمیم گیری فوتبال ایران می شود.

دارا بودن حداقل ۵ سال سابقه مدیریت در فوتبال برای عضویت در هیأت رئیسه و ۱۰ سال سابقه مدیریت در فوتبال برای ریاست فدراسیون از این موانع است.

در بند ۴ ماده ۳۳ علاوه بر عدم سوء پیشینه کیفری، شرطی با عنوان «تأیید مراجع ذیصلاح» وجود دارد که اشاره آن به مجوز حراست وزارت ورزش است.

وزارت ورزش با اهرم هایی مانند کمک های مالی، تأیید حراست و انتخابات هیأت های فوتبال استان، می کوشد نفوذ دولت در فدراسیون را حفظ کند، از سوی دیگر هیأت رئیسه فعلی با بی اعتنایی به درخواست فیفا برای تصویب اساسنامه جدید راه خطرناکی را برای بار دوم طی می کند. تن کوفته فوتبال ایران زیر تحرکات سه ضلعی هیأت رئیسه فعلی، فیفا و وزارت ورزش در حال لگدمال شدن است، اتفاقات آذر سال ۱۳۸۵ این روزها از همیشه به فوتبال ایران نزدیک تر به نظر می رسد. امیدواریم تجربه سال های گذشته پیش روی مسئولان باشد.

دارای یک حق رأی هستند. این موضوع از نظر فیفا از مصادیق دخالت دولت در فوتبال است و در نامه اخیر نیز به صراحت به این دو مورد اشاره شده.

اتفاقات اخیر از جمله نامه فیفا و درخواست سعید آذری به عنوان یکی از اعضای مجمع یکبار دیگر سنگ بنایی را نشانه گرفته است که از سال ۱۳۹۰ به این سو، منشأ مناقشات و کشمکش های فیفا، وزارت ورزش به نمایندگی از دولت و هیأت رئیسه فدراسیون است. کشمکش هایی که تشخیص طرف زیان دیده و سود برده از آن با نگاه به گروهی که خواهان ادامه وضع موجود است، کار چندان سختی نیست.

اساسنامه قانون اساسی فوتبال است، از آنجایی که فدراسیون فوتبال ایران یکی از اعضای فدراسیون جهانی فوتبال (فیفا) است، این اساسنامه باید مطابق با اساسنامه مادر باشد. هرگونه تعارض و تناقض در آن تبعات سنگینی را به همراه خواهد داشت.

تعارضات از اولین ماده اساسنامه شروع می شود، جایی که در بند ۱ ماده اول در تعریف فدراسیون فوتبال از الزام هماهنگی با وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک سخن به میان آمده است.

در ادامه در بند ۲ ماده ۲ فدراسیون به جای الزام خود به تطبیق با اساسنامه فیفا از قید احترام استفاده کرده، همانطور که پیش تر نیز گفته شد فیفا روی دخالت دولت در فوتبال حساس است حتی اگر آن دخالت در حد یک حق رأی در مجمع عمومی باشد.

«هر عضو باید اطمینان یابد که باشگاه های وابسته به عضو در کلیه موضوعات مرتبط با عضویت با استقلال و عدم دخالت نیروی بیرونی کلیه تصمیمات را اتخاذ نمایند. این تکلیف صرف نظر از ساختار حقوقی باشگاه وابسته باید اعمال گردد. در هر حال، عضو باید اطمینان یابد که هیچ شخص حقیقی یا حقوقی (از جمله شرکت های سرمایه گذاری و شرکت های فرعی) نباید به هر طریقی (به طور خاص، از طریق اکثریت سهامداران، اکثریت دارای حق رأی، اکثریت اعضای هیأت مدیره یا به هر شکل وابستگی یا کنترل اقتصادی) در بیش از یک باشگاه اعمال کنترل نمایند، هر زمان که این موضوع بتواند یکپارچگی مسابقه یا رقابتی را در معرض خطر قرار دهد.»

بر اساس بند ۲ ماده ۲۰ اساسنامه فیفا که متن آن در بالا ذکر شده است، نحوه انتصاب هیأت مدیره باشگاه ها از طرف دولت و همچنین داشتن مالکیت یا سهام مشترک دو باشگاهی که در یک رقابت حضور دارند باید به طور کلی در